

تکمیل شماره هارپال ارگان  
اتحادیه کمونیستهای ایران

# حقیقت

شماره ۱۳۱ ۳ تیر ۱۳۶۰

## پیام رئیس جمهور

۳۱ خرداد ۱۳۶۰

بخشهایی از

پیام های ۲۹ خرداد رئیس جمهور

# ای رفقا! پیایید متحد شویم!

ای رفقای کارگر! ای رفقای روشنگر! ای برادران و خواهران همملکی که همه مراسم کمونسم تعجبید! ای کمونیستهای ایران و آذربایجان! ای رفقای کیلانی و مازندرانی و ترکمن و خراسانی! ای یاران امفیجان و سراسر و کرمان و خوزستان! ای رهروان کرد و هندوستانی و بلوچ و کرمانشاهی و پرولتاریا! یکبار حرف با را شنوید و بیایدید از پراکنده کاری و پراکنده اندیشی، از انفعال، از خط سازیها و تئوری بافیهای گوناگون بکشید و صف را یکی کنید. مردم ایران، یار دیگر در برابر دیدگان حسرت زده، جهانپیان و پیکوری چشم ابر قدریها و شوکران قدیم و جدید آنها ثابت میکنند که پرچم داران راستین قیام، توده های دربند و ملل ستمدیده، عالم در این برهه از تاریخ استند.

مردم ایران، یار دیگر بهمن و اربسوی بهمنی نومیروند، تا تکلیف خود را با این شاه نو، رستاخیز نو، مجلس فرمایشی نو، هویداها، نصیریها، ازها ریها، بختیارها، و شورای سلطنتی نو، که بنام نمایندگان جمهوری سرکشور تحمیل شده اند، بیکره کنند، بیکره خواهند کرد. سرار استن سرزمین را هم اکنون التهایی سوزان، فرا گرفته و در هر گوشه

این کشور شعله های پراکنده، ویرد حق جویانه، مردم زبانها، میکشد، و این شعله های یکی با یکدیگر خواهد شد. انفعالیها سرکوب خواهند شد و این خلافت ازها ریها، بختیارها، و شورای سلطنتی نو، که بنام نمایندگان جمهوری سرکشور تحمیل شده اند، بیکره خواهند کرد. سرار استن سرزمین را هم اکنون التهایی سوزان، فرا گرفته و در هر گوشه

بقیه در صفحه ۲

## ملت ایران انتقام خون زندانیان در بندی را که ناجوانمردانه اعدام شدند

### باز خواهد ستاند

ختم هر اختر چو بنده که در خون میگفت

برق خنمی زد و برگرد و شب خنجر شد

صفحه ۹

نغمه در نغمه خون غلغله زد، تندرست

شد زمین رنگ دگر، رنگ زمان دیگر شد

## انقلاب اسلامی (درمید) فشر شد

روزنامه، انقلاب اسلامی که در ۱۶ خرداد توسط... کودتاچی حاکم " توقیف " شد و باره بانام " انقلاب اسلامی ( درمید ) " در قطع کوچک شروع به انتشار در... مابین اقدام درست و بموقع نویسندگان و کارکنان " انقلاب اسلامی " را استقبال میکنیم و بر این موفقیات آرزو میکنیم. ما بنا به تمهیدی که به آزادی و آزادی خواهی، به مبارزه در راه استقلال و راهی ملی و نیک بخش زحمتکشان ملت بزرگمان داریم، از هرگونه کمکی به " انقلاب اسلامی ( درمید ) " دریغ نخواهیم ورزید.

« امسال سال خون است »  
« بهشتی سرنگون است »

تظاهرات کارگران شهر صنعتی البرز ۶۰/۳/۲۷

پیام به پزشکان، پزشکیاران و پرستاران کشور

۱۷۷ خائن به خلع بنی صدر رای دادند

نامه سرگشاده استاد علی تهرانی به آقای خمینی



پیام ۳۱ خرداد رئیس جمهور

مردم مسلمان ایران

همه شما شاهد و تماشاگر نمايشنامه غم انگيز، سراسر دروغ و بيكجانبه‌اي كه در جو ترور و وونت در نخستين مجلس نخستين جمهوري با بازيگري، بازيگران عذب جمهوري اجراء ميشود، هستيد. اين عمل يك ضربه نيست. انهدام جمهوري اسلامي است. مسابقه در دروغ و بيهتان زني و... حكايت روشني از سقوط همه جانبه‌اي است. سقوطي كه تنها استقامت يكپارچه شما مردم، ميتواند راه نجات براي آن باعد.

مردم مسلمان ایران

با اينكه اينجانب با رها نمايي خود را براي استعفاء اظهار کرده بودم، طراحان طرح كويي، خزنده ترحيح دادند " عمل جراحی " نكنند تا بمردم > لي كند را ي وسيل و علاقه و خواست آنها، ديگر هيچگونه اعتباري ندارد. پيدا است كه از اين پس تنها كساني حق دارند انتخاب بشوند كه " قيم " ها معرفي ميكنند، چرا كه را ي سعدم ثبات ريش جمهوري، به معنای رای به نالتوانی شما مردم در تشخيص است. معنی رای به عدم كفايت ريش جمهوري اينست كه شما نه در وقت رای دادن بي به كفايت اينجانب برده ايد و نه در اين يكسال ونيم كسه بيوسته حمايت کرده ايد.

مردم مسلمان ایران

دادستاني " انقلاب " دفتر ريش جمهوري را اشغال کرده است و از حضور کارمندان جلوگیری میکند. همکاران اينجانب راه را همي با بند توقيف ميکنند و از سرنوشت آنها خبري نيست.

منزل اقوام نزديك اينجانب بدلائل واهي " با زري " ميشود.

و آنچه در كچه و خيابان بر سر شما و فرزندتان شما بيا و روند و آنچه در دستگاه تبليغاتي مي بينيد و ميخوانيد، را خود بهتر از اينجانب ميدانيد.

اينها همه آشكار ميگردانند كه سال برآستي سال " قانسون " است. آنچه نميدانستيم و بسيار دير دانستيم اينست كه در منطق حاكمان مستبد، قانون يعني حكومت چماق و زندان و اعدام.

مردم مسلمان ایران

بسا نهي كه براي سربريدن ريش جمهوري تراشیده اند اينست كه اوبيا گروههاي اشتلاف کرده است. اشتلاف واقعي همانست كه ميان وابسته هاي شرق و غرب واقع شده است و اين آتش بنيا دكن را بوجود آورده است. اينجانب بعنوان ريش جمهوري منتخب عموم مردم، نميتوانستم در هيچ اشتلافي وارد شوم و تا اين زمان نيز وارد نشده ام و هر چه عنوان ميكنند كذب محض است و اگر ديني دارند با پديدانند خدا از اينگونه بيانه تراشي آنهم براي شويه جنايتي بزرگ نسبت به جمهوري نهي - كذرد و اگر اشتلاف و وحدتي صورت گرفته است ميان اينجانب بسا اكثريت قريب به اتفاق مردم مستضعف و مخووم ايران است كه در همه شهرها و روستاهاي كشور گرفتار انواع محروميتها و تنگناني

سرنوشت ميهن خویش هستند.

مردم مسلمان ایران

اينجانب با كمال صداقت و استقامت به بيهاشي سنگين مسئوليت خود را به انجام رساندم، سرنوشت كشور، سرنوشت شماست. خود با يدا تر در دست بگيريد. از تهديد ها نترسيد. تهديد ها هر چه بزرگتر، بيشتربيا نگر دست خالي تهديد كنندگان است. نكنند در ترديد و ابهام وقت بگذرانيد و زما ني بخود مياييد كه سيار ردير شده باشد. اينجانب با همه آنچه از ظلم در باره ام كرده اند و با همه خرابيها كه ميا ر آورده اند، به توانائي نسل امروز مومتم و يقين دارم كه ملت، زود و بسيار زود، استبداد جديد را هم از پيش پا بر ميآورد و انقلاب ادا ميه مياييد. همه وجود اينجانب اميده نسل امروز، به اراده، به شعور، به استقامت اوست و روزها و هفته هاي آينده نشان ميدهد كه اين نسل چگونه در برابر استبداد بيان و كودتا گران ميايستد، در برابر كودتا گراني ميايستد كه خطر هاي بزرگ براي موجوديت اسلام و كشور فراهم کرده اند، و بدانيد هر وقت شما مردم بخوا هيد به مسئوليتي كه شما بر عهده اينجانب گذاشته ايد، عمل ميكنم.

شاد و پيروز باشيد

سي و يكم خرداد ماه ۱۳۶۰

ابوالحسن بنی صدر

از پیام ۲۹ خرداد خطاب به

ارتشپان

..... شما خود بيم گزارشائي داديد حاكي از اينست كه براي جناحي كه با تمام توان ميكوشد استبداد سياهي را به كشور ميا تحميل كنده همه كاربا يد كرد و نگذاشت ارتش تحت فرماندهي بني صدر پيروز شود. در اين سخن نوه امام راست است. شما هم ميدانيد كه راست است. آنها ميگفتند خوزستان از دست برود بهتر از اينست كه بني صدر پيروز بشود. همه گونه كارشكني در كار جنگ انجام گرفت. امروز سياست در ارتش هروشين خوانده شده است اما شما ميدانيد كه تا وقتي من فرمانده بودم لحظه اي از تحريك سياسي در ارتش بر ضد فرمانده كل نيروهاي مسلح خود داري نميگردند. شما خود با رها از فعاليتهاي حزب جمهوري اسلامي تحت پوشش سازمان سياسي - ايدئولوژيك بيم شكا يست كرديد. كارگردانان اين حزب هر روز در اين و آن با يگاه سخن راني داشتند.....

..... داستان كنار زدن من از فرماندهي نيروهاي مسلح و سياست جمهوري داستان تازه اي نيست توطئه ايست كه اينست كه بجه در صفحه ۲

**پیام رئیس جمهور**

بقیه از صفحه ۳

نتیجه رسیده است. اما آغاز آن، آغاز انتخاب من است بلکه ریاست جمهوری، با اینحال از اوائل خرداد توطئه گران کار را تمام شده میدانستند. بقرار اطلاعاتی که یافتیم، اینها کسدر شورای دفاع میگفتند یکسال دیگر جنگ را ادامه میدهم بسیاری مسائل ماحل میشود و جنگ را تا سرنگونی صدام ادامه میدهم، هرچه وسائل لازم است فراهم میکنیم و از این قبیل مطالب، با رئیس هیئت اسلامی که برای پایان دادن جنگ با درمیانسی میکرد تماس گرفتند تا بلکه جنگ را تمام کنند، با شرایط خیلی ساده ای هم خواستند به این نتیجه برسند. فرماندهان شما، آنها که عضو شورای دفاع هستند میدانند و گواهند، صورت جلسات هم موجود است. اینک نقش شما تعیین کننده است. ایندستان دیگر استان گروگانها نیست که با ترقای رنگان تسلیم بشوند، میالنی از بول ملت فقیر با آمریکا ثیان بدهند و حیثیتی بزرگ از انقلاب کشور بریا بدهند. اینک پای موجودیت مادر میان است.....

پس پس شما فرزندان مین اسلامی، برادران من، همسنگرها، درسنگرهای خود بمانید، سنگرهای دشمن را تصرف کنید. هر آینه ای بدینکار بسته است. شمع نکنید اگر من در این لحظات با شما اینطور صحبت میکنم. سرنوشتی که برای من تدارک کرده اند سرنوشت شخصی من نیست. سرنوشت مین است. سرنوشت یک نسل است. نسل جوان بیروز کشور، نسل که حقیق دار در رد کنند و در این بین گیتی طر بیخود را اندازد. نسل که سهمین قصدا انقلاب کرد و اینک میخواهند و راه ما تم این انقلاب بنشانند.....

.... شما همواره با پایداری تحمیل یک حاکمیت سیاسی استبدادی چه وسیله خود، چه با بازی کردن نقش وسیله برای دیگران خودداری کنید تا مردم ما اتکاء به نفس پیدا نکنند، رشد کنند و کشور خویش را به پیش ببرند. من با شما خدا حافظی نمی کنم برای اینکه همواره خود را در کنار شما می بینم، اما شما میگویم فرزندان مین، استوار باشید. ایران در وجود شما میجنکد. چنان بجنگید که در فتح و شکست معرف اعتماد به نفس، استحکام اراده و توانائی و پایداری ملت خویش باشید. ابوالحسن سنی مدر خدا یا رومد دکار شما باد.

۲۹ خرداد ۱۳۶۰

**از پیام ۲۹ خرداد خطاب به ملت**

..... مردم ایران، زنان، مردان، مسئولیت شما سنگین است. بجنید، مراقب باشید، مین شما در خطرات، انقلاب اسلامی شما در خطرات، از من دفاع نکنید، از من حمایت نکنید، از موجودیت خودتان بعنوان یک ملت، از حق خودتان بکوه عنوان یک نسل نیاز مند به رشد و آزادی دفاع کنید و حمایت کنید.

مردم کشور، شاه یک آدمی با هیکل مشخصات معین و نام معلوم نیست. شاه یک رسم بوده است. ببینید این رسم در کجاست؟

بروز شما را داند و شما را بدهند که پرا مثل شاه کنایه میزنند. اما ببینید شاه کیست؟ آیا شاه مردم کشور را هر مردی می یافتد که نسبت به استقلال ایران دلسوزی داشت؟ میخواست پولهای ما را خارجی ببرد، نفت ما را خارجی ببرد، بودجه ما طوری خرج نشود که نفع خارجی، آمریکا شی ذرا و باشد؟ قطعا نه. این کارها را در نفع آمریکا تنها میکرد. حالا ببینید چه گروهی همان کارها را میکنند و گناه من جز اینکه قرا را در دنیا آمریکا را در دنیا، گروهی آنها افتاء کرده ام، جز اینکه قرا را در دنیا لیبوت را افتاء کرده ام، جز اینکه فروش نفت را بمقدار زیاد و این بودجه ای که بدتر از بودجه های شاه است افتاء کرده ام چیست؟ شاه شما جوانهای محروم را میگرفت، شکنجه میکرد، میگفت و یک اقلیتی میلیون میلیون بلکه بیلبارد میلبارد بخوردند و ببرند. خود میخورد و میخوراند. من در تمام مدتیکه شما خدمت کرده ام دیناری حقوق نگرفته ام، هیچ بدل و بخششی نگرفته ام، و به شما میگویم در سخت آزاد در باره، بوده گفتند ما نمیتوانیم از آنها که سوده های کلانی در تجارت با خارجی برده اند مالیات وصول بکنیم چون نمیتوانستیم در بودجه هم نیا واردیم. میدانید چرا نمیتوانند از آنها مالیات بگیرند؟ برای آنکه بدون آنها، راستگی ممکن نمیشود. البته وقتی دولتی ما جز شد از آنها مالیات بگیرد بیاستبداد سیاسی برقرار کند تا شما مردم محروم و تشنه و بحال خود را شده امروز ایران نتوانید اعتراض کنید، ببینید چرا اینطور؟ پس در این مسئله هم، رفتار و روش من برفداهاست. اما آیا شاه جاست تا اجرای قانون بود؟ شاه نبود که حتی قوانین خود را هم، قوانینی را که خود بیه تصویب میرباید اجرا نمیکرد؟ و حالا چه کسانی همان قانون اساسی را که خود بیه تصویب رسانده اند اجرا نمیکند؟ شاه دهن ها را نمی بست، قلمها را نمی شکست؟ آیا این منم که با ما نسور و بستن دهانها و شکن قلمها موافقم؟ یا درمت با این دلیل که با این کارها مخالفم در این وضع قرار گرفته ام که حسرا در آن قرار دادند؟ شاه سابق میگفت کسی در این کشور حق مخالفت با او را ندارد و اگر کسی با او مخالفت میکرد سرنوشتی جز زندان، داغ، درفش، محکومیت و اعدام نداشت. مگر اینکه صبا مسد توبه نامه مینوشت و در را دیو و تلویزیون میخواند. آیا من تا بحال کسی را از حق مخالفت محروم کرده ام؟ و شما میدانید چه کسانی میخواهند این حق را از همه بستانند؟ عدم کفایت من در چیست؟ جز همین اعتراض ها به استبداد سیاسی که در کار ایجاد آندند؟ شاه سابق دانشگاه را محلی میخواست که افراد، نیروی انسانی لازم برای دستگاه گسترده حکومت استبدادی او فراهم آورند و حالا چه کسانی میخواهند دانشگاه را با این صورت در آورند؟ آیا این من نیستم که در مقابل تبدیل دانشگاه به ماشین ابزار سازی مخالفت میکنم؟ شاه سابق رای مردم را به حساب نمیآورد. برای مردم حق رای قائل نبود و میگفت: مردم بیسوادند، جا هلند و نمیتوانند در باره سرنوشت کشورشان تصمیم های عالقلانه بگیرند. از اتفاق، روزیکه من میخواستم تا مزد ریاست جمهوری بشوم من این حرف زده شد که در سوع حکومتی که ما داریم میخواهیم ایجاد کنیم صحت از رای مردم فقط برای اینست که دهن، دهان دنیا را ببندیم که نتوانند در اینجا رای مردم حساب نیست. یک گناه من اینست که به رای شما مردم انتخاب شدم و شما بینه حزب جمهوری نیستم خوب، حالا چه کسی نی برای رای شما مردم بیشیزی ارزش و اجزای قائل نیستند و

# مجلس رای به خلع بنی صدر از ریاست جمهوری داد

## اکنون بر ملت ایران است تکلیف خود را با این حکومت روشن کند

روزیکشنبه ۳۱ خرداد مجلس شورای اسلامی با اکثریت ۱۷۷ رای، رای به عدم کفایت سیاسی ابوالحسن بنی صدر رئیس جمهور کشور را دو با این رای ۱۷۷ خائن را به مردم ایران معرفی کرد.

اکنون برای مردم ایران تکلیف ۱۷۷ خائن رسا روشن شده است.

اکنون برای مردم ایران روشن شده این مجلس مجلسی است فرحانی و آلت دست از همان نوع مجالس محدرما - شاهی که سیخ روارانده و نظیر آسیا را نما بندگی میکند. این مجلس تکلیف خود را سا ملت روشن کرد و اکنون ملت است که باید تکلیف خود را سا

این مجلس و وکلای خائنین آن، با سردمداران و طرفداران این مجلس، روشن کند.

قرار است که خمینی به استناد رای این مجلس بنی صدر را از ریاست جمهوری عزل کند، و در پی آن هیئتی متشکل از سه عنصر منافق، پستی، رقتجائی و رجانسی، بنام شورای ریاست جمهوری اولاً - ریاست جمهوری را بر عهده گیرند. بدینسان پیرو از کودتا با صورت ظاهر قانونی بی پایان رسیده و برده دوم آن یعنی بگرد و کشتار دسته جمعی مردم و کلیه نیروهای سیاسی ترقیخواه آغاز خواهد گشت.

از هم اکنون و بدینحال رای خائنان، مجلس آلت دست رئیس جمهور نیز رسماً صادر و اعلام شده است.

وضع کاملاً روشن است، و اکنون بر مردم قهرمان ایران است که حرف نهائی خود را بزنند و حساب خود را با این پست فطرت ها روشن کنند.

اکنون بر کارگران ایران است که نظر آخر خود را اعلام کنند و قدرت شکستناپذیر خود را پس از این بی خبران نشان دهند.

اکنون بر کارمندان ادارات و بانکیها و صاحبان مشاغل مختلف و بازاریبان و دیگر قشرهای مردم است که رای خود را بزرگداشتند و کارهای اقدام جمعی خود را سه

این بی میزبان حالی کنید. اکنون بر سر بزازان و درجه داران و هافران و افسران آزادبخواه و کلیه عناصر شریف و متممها یزر نهادهای مسلح کشور است که کلام نهائی خود را بزرگداشتند و نیرومندی خویش را به این خیره سران اثبات گردانند.

اکنون بر تمامی ملت است که حاکمیت خود را با شدت ثابت گردانند و به این اقلیت ناچیز و خودبناخچه بقمها بندگی شتی پوشال پیش نیتند.

مرگ برخیا نتکاران! سرتگون با د حکومت استبداد در پرده دیدن! برافراشته با دپرچم قیام همگانی مردم ایران!

### پیام رئیس جمهور

دوره شاه بیدار شده، توانین اختناقتی یکی پس از دیگری تا ما ده میشوند. کشور علاوه بر جنگ خارجی، جنگ داخلی، دربارک نا امنی، عمومی، میوزدا، اقتصاد در فلج کامل، جامعه، جوان بیستاد بدون سرنوشت روشن، استبداد حکومت عاقلها، عاقل - های نادان، چگونه میتوان عاقل و نادان بود؟ این همان معنائی است که نسل امروز باید حل کند. اگر اینها عقل میداشتنند، دانائی هم بدست میآوردند. با همه این وضعیت، نسل جوان امروز نمی باید خود را سه یا س سپار در چه من باشم وجه نیاشم..... خواهی، برادر من، من ترا پیسه استقامت خواندم، تو نیز مرا به استقامت خواندی. یاد میآوری روزهای نخستین ریاست جمهوری مرا؟ هر دو، من و تو پیمان بستیم بر عهد خود وفا کنیم، وقت، وقت وفای به عهد است. بایست و سرنوشت... (نوار سهمینجا خاتمه یافت)

ابوالحسن بنی صدر  
۲۹ خرداد ۱۳۶۵

توضیح: هر دو متن از نوار بیام رئیس جمهور پیاپی شده است.

اگر شما حرف میزنند فقط برای اینست که شما، جماعتها راه خیابانها نکشد؟ خوب، پس وقتی همه ابزار قدرت استبدادی به صدر رئیس جمهوری عمل میکنند و این رئیس جمهوری برضد همه این اسباب عمل میکند، در حقیقت مبارزه همان مبارزه است، انقلاب همان انقلاب است. امریکه هست و به گمان من مهم، اینست که کسانیکه میخواهند این استبداد را به سر قیمت برکنور ما حاکم بکنند، واقعیت اینست که ما جوان است، نه تنها نمیتواند در سکون و حمود زندگی کند، نه تنها نمیتواند در ظرف زمان حال زندگی کند بلکه نیروی محرکه، دگرگونی است و ما زنده آینه جوان بدون رشد، بدون تکامل، بدون ترقی معنا و مفهوم ندارد. این مفا هم بدون آزادی بدست نمیآید. اینست که تا کشور مستقل و آزاد شود، نسل امروز نسلی است محکوم به سکون، نه حمود، به واپگرائی. اینست که نسل امروز به نیاز دارد که بدو امکان رشد، امکان بارور کردن اندیشه بدهد. چون چنین است نتیجه وضع موجود و نسل جوان امروز را برسیانگیزد که کار و تلاش کند. و همین، و همینیم که وضعیت را دگرگون میکند. امروز نتیجه حکومت حزب جمهوری سرکشور، حزب که چه بگویم یک گروه معین بنام حزب، واپگرائی اقتصادی، گرانی روز افزون، نا امنی تاسدان حکم رئیس جمهور کشور به رای ۱۹ میلیون در این مقام قرار گرفته است و هیچ چیز خود امنیت ندارد. بساط بیرونده سازی و ساواک با زنی سه روال

### پرت و پلا گوئی

و این سردمداران، نه تنها دو پست فطرت و خائن و مشکوک هیچ ندای مخالف خوانی، تحمل نخواهند کرد. آنها به عدهای مطیع و خلقه بگوش نه دارند. "بردار دعایی" و دیگران باید تکلیف خودشان، خودشان معین کنند!

# امسال سال خون است، بهشتی سرفگون است!

## نظارات کارگران شهر صنعتی البرز (۶۰/۳/۲۷)

کارگران انقلابی، هم مینهان مبارزین صبح روز چهارشنبه ۶۰/۳/۲۷ سرتیست کمیته "انقلاب اسلامی" شهر صنعتی البرز (قزوین) کارگران و ادعوت میکنند که در ساعت یک بعد از ظهر هما نروزی برای شنیدن سخنرانی استاندار زنجان و فرماندار قزوین که هر دو از عناصر سرسپرده حزب جمهوری اسلامی هستند، در جلومکته شهر صنعتی البرز اجتماع کنند.

آقایان استاندار و فرماندار قزوین قصد داشتند تحت لوای بهشتیانی از "ولایت فقیه" و کویپیدن رئیس جمهور (بنی-صدر) به نحسب کارگران سرداخته واقهان را سزای بدیگرش توطئه، کودتای خائنه ای که درسی ساده کردنش هستند آماده سازند. لیکن کارگران سارزکار خاتجات شهر صنعتی البرز و مردم قزوین با هوشیاری و دلآوری دسیه این آقایان را به نسد آسان و آریایان حزبی شان میدل ساختند.

در ساعت یک بعد از ظهر سحر ۳۰۰ تن از کارگران نا آگاه و ساری خورده، عضو "احسب های اسلامی" هیچ کارگری در مقابل کسبه شهر صنعتی جمع نشد. کارگران به محض تعطیل شدن در جلوی یکی از کارخانه ها تجمع کرده اند حمل عکس بزرگی از بنی-صدر، عکس از شادروان طالقانی و نیز پرچم به رنگ ایران شروع به راهسماشی میکنند. کارگران که جمعیتی بالغ بر ۱۰۰۰۰ نفر بودند در صفوف بهم فشرده و منظم به طرف شهر قزوین و سرون ارمحوطه، کارخاسحات فصدیه حرکت میکنند. طاهر خانی سرسب کسبه شهر صنعتی البرز که فو بدنام و شروری است و تنامی کارگران از این عنصر کثیف مترچر هستند به قصد مانعت از حرکت کارگران یسمت شهر به جلوی جمعیت آمد. کارگران که از این حرکت طاهر خانی حسان بالا رنده بود، اورا چپیده و کتک مقلی را نوشت جاتش بیگند و سس اورا به جوی آب انداخته و ریشش را لجن مال میکنند. کارگران با مشت های گره کرده و پای کوبان در حالیکه طرف شهر قزوین راهسماشی میکردند شعا میدادند:

- بنی صدر، بنی صدر حیاتت میکنیم
- بهشتی، بهشتی درسه درت میکنیم
- فرمانده، کل قوا بنی صدر
- مرگ بر بهشتی، مرگ بر رجائی
- دولت خیانت میکند، مجلس حمایت میکند
- مسلمان بیاخیز، حزب شده رستاخیز
- حزب چماق بدستان، باید بیره گورستان
- بهشتی، بهشتی طالقانی را توکشتی
- کارگران بیدارند، از بهشتی بیزارند
- امسال سال خون است، بهشتی سرفگون است

در این هنگام کارگران شیفت بعد از ظهر هم با سرویس های از شهر آمده و به کارگران نظا هرکننده می سیوندند. اکنون دیگر تعداد کارگران نظا هرکننده به ۱۵۰۰۰ نفر میرسید. نرسیده به سه راهی شهر صنعتی کارگران با آ هیولانسی روبرو شدند که از درون آن بطرفشان تیراندازی میشد. چند نفر از کارگران تیر خورده، در خون غلتیده و زمین افتادند. کارگران با شاهده ایسین

جناحت چکنه چو فان جمهوری اسلامی خشکین شده و به طرف آ هیولانسی حمله بردند. هیولانسی فرار از برقرار ترجیح میدهد و در این بین بین ۲ الی ۳ نفر از پاسداران ژ-۳ بدست جا میمانند. کارگران با پاسداران را که در حال فرار بودند تعقیب کرده و آنها را دستگیر و خلع سلاح میکنند و در ضمن کتک مقلی هم به آنها می زند. کارگران به حرکت خود به طرف شهر ادامه داده و با خشم شعا میدادند:

- مسلمان بیاخیز برادر کارگر کشته شد
- برادر کارگر شهادتت مبارک
- بهشتی، بهشتی کارگر را توکشتی
- بهشتی خیانت میکند، پاسدار حیاتت میکند
- امسال سال خون است، بهشتی سرفگون است

کارگران در میرحاده، تسدیم سهران - سروس در حیاتل حرکت یوندند که در نزدیکی هتل تی بی تی قزوین با سدا تومبیل سیمرخ سملوا از پاسداران مسلح روبرو شدند. پاسداران به محض بیاده شدن از تومبیل ها به طرف کارگران حرکت میکنند که با مقابله و کتک کارگران روبرو میشوند و سید رنگ سوی کارگران شلیک میکنند. تعدادی از کارگران را زخمی و تعدادی دیگر را نیز شهادت میرسانند. کارگران سدا زمدتی مقابله با شلیک و آخر در میان باغها و کشتزارها پراکنده شده و دسته دسته از طرف جاده به طرف شهر میمانند. خانواده های کارگران و مسردم شهر قزوین با اطلاع یافتن از این خبر به طرف دروازه شهر قزوین سواستقال کارگران سنا رزوقهرمان حرکت کردند. در دروازه شهر، خانواده های کارگران و مردم شهر قزوین منظر کارگران سوندند و کارگران دسته دسته از زمان باغات سه شهروا رده شده و خیرشهادت رسیدن و زخمی شدن سرادران همرزمان راه مردم میریاندند. حوالی ساعت ۵ بعد از ظهر سیاه بان ساداران چندمی تی بوس با سدا ر مسلح در دروازه شهر مستقر کرده و در سطح شهر با بلندگو اعلام میکرد که "مردم برای مقابله با گروهکهای ضد انقلاب در دروازه شهر تجمع کنید". سپاه پاسداران بعد از چند ساعت گشتن در شهر و جازدن حدود ۳۰۰ نفر چماق دار با بیل، کلنگ، چماق و قمه در مقابل دروازه جمع کرد و آنها را سادادن شعا رهایی چون "مرگ بر بنی صدر"، "حزب فقط حزب الله" به طرف مردم حاضر در آنجا حمله میکردند. آنها کارگرانی را که به طرف شهر میمانند کترشک میبردند دستگیر میکردند و تحویل سپاه پاسداران میدادند و بدین ترتیب تعدادی کارگر را دستگیر کردند. در عصرها نروز، تمامی مردم شهر سوییژه اهالی محله های کارگر نشین از خانه بیرون آمده و سرجها راه ها و میادین شهر جمع شده و در مورد مسائل سیاسی روز و مبارزه کارگران و کشتار ددمنشانه ارتجاع حاکم بحث میکردند.

پاسداران و چماق داران حزب جمهوری نیز در سطح شهر مرتب به گشت و شعا ردادن مشغول بودند و خیال خود شهر را کنترل میکردند.

کارگران مبارز و همشهریان قزوینی :  
هما نظوریکه با حرکت متحدا نه خود،





# پرت و پلاگویی روزنامه جمهوری

## اسلامی

۲ - روزنامه جمهوری اسلامی پس از آنکه در مورد "اتحادیه" اظهار راحیه فرمودند به پروپا چه "اطلاعات جوانان" که با ما بسه مباحثه نوشته است پیچیده و میگوید: "ما نظر بر اردعائی (مدیر اطلاعات) را به جریان ناتی که در این نشریه میگذرد جلب مکنیم... و هشدار میدهم که این جریان نمیتواند با توطئه را همیما نسی ۲۵ خرداد از سوی گروهکهای منافق و ضد انقلاب بی ارتباط باشد" البته از این به بعد نوشته جریده، معروفه به موسسه اطلاعات و بخصوص "اطلاعات جوانان" مربوط است. ولی ماحق اظنیار نظر را برای خود محفوظ میداریم:

**اولا** - اطلاعات جوانان فقط با "اتحادیه کمونیستها" ایران به مباحثه پرداخته است. بلکه با یک رشتند از جریانات مختلف چون حزب توده، سازمان مجاهدین و دکرپیما ن و... به بحث پرداخته است. معلوم نیست چرا جریده جمهوری اسلامی فقط در مورد ما و مجاهدین حساسیت نشان داده است؟ چرا زمانی که مباحثه "اطلاعات جوانان" باب بحث آزاد را با چندین شماره بی دربی از سخنان جناب کیا نوری - دبیرکل حزب توده - فتح کرد "جینگ و داد" ش در نیامد؟ چگونه است که وقتی حاسوس اعظم ایر قدرت شوروی، کسی که سرسپردگی اش به یک قدرت بزرگ امپریالیستی قابل کتمان نیست و خودش هر روز در "پرسش و پاسخ" و در جریده "مردم" اش این "اصل" حیاتی سیاسی اش را اذعان دارد مشغول نکته پراکنی و دفاع از امثال بهشتی ها و سبوی ها و رجا بیی ها در مباحثه اش میشود، جریده جمهوری اسلامی نطق بر نمی آورد؟ روشن است برای آنکه فعلا این حاکران اسر قدرت شوروی در صفوف "حزب الله" وارد شده اند و برای جمهوری اسلامی به تمهکشی و چمانداری مشغولند. روشن است چون خود آقای بهشتی مشغول بحث بسیار آزاد با رهبران اینها و برادرانشان اکثریتی های خائن در رادیو و تلویزیون هستند! و ما به ملت هشدار میدهم که این جریان نمیتواند با توطئه کودتای حزب جمهوری بی ارتباط باشد!

**ثانیا** - راستی نظر "برادر دعایی" در این مورد چیست؟ آیا "برادر دعایی" و دیگر کارکنان و نویسندگان اطلاعات و اطلاعات جوانان "پیام" مستبدین جمهوری اسلامی را از خلال این سطور معدود دریافته اند؟ آیا فهمیده اند که سران مستبد حزب جمهوری اسلامی آنها را تهدید کرده اند که با "کاملا در زیر برجم ما سیه میزنید یا ما شمارا در ردیف "ضد انقلاب" و "منافقین" و "توطئه گران ۲۵ خرداد" و... به حساب میآوریم؟ آیا "برادر دعایی" و دیگر کارکنان و نویسندگان اطلاعات آنقدر از شرف و حیثیت خود در گذشته اند که تسلیم این استبداد سیاه میشوند و سه میل این مستبدین قلم در دست میگیرند؟ کاری که متاسفانه پس از کودتای حزبی درست بدان مشغولند!

"برادر دعایی" و دیگر افراد گروههای از این ملک باید بدانند که برخلاف آنچه که مینویسند که گویا در زیر پرچم اسلام و امام طی طریق میکنند، خواسته یاننا خواسته به یک استبداد سیاه، به وطن فروشی و خیانت ملی در زیر پرده دین حزب جمهوری اسلامی خدمت میکنند.

پس از پیام امام بمناسبت شبیه شعبان که در آن شب "اتحادیه کمونیستهای ایران" نیز اشاره ای رفته بود ما را به "توهین به مقدسات مردم" متهم نموده بود، روزنامه جمهوری اسلامی شروع به جست و خیز کرد و سه توطئه خود یک رشتنه پرت و پلائی مرتجعانه به خوانندگان "بسیار زیادش" تحویل داد است. هم چنین روزنامه جمهوری اسلامی با اشاره به مباحثه مجله "اطلاعات جوانان" با "اتحادیه" که حدود دو ماه پیش انجام شده است، این محله را نیز مورد عتاب قرار داده است. در این موارد توضیح چند نکته ضروری بنظر میرسد:

۱ - روزنامه جمهوری اسلامی مرقوم فرموده اند که "اعضای این اتحادیه با آنکه بیارکم هستند ولی از حاشن ترین و مشکوک ترین افراد مد اسلامی تشکیل شده است". کار همه را به کیش خود پندازد!

**اولا** آنکه خاشن ترین و مشکوک ترین افراد خدمت ایران، فدآزادی و استقلال ایران خود شما هستید! ما در صفوفمان آیت کودتای رانداریم! از استا دپروورش مجیز کوی فرماندار نظامی اصفهان خسری نیست! از بهشتی پول بگیر نخست وزیری دوران هویدا و مشا و رسوگلی مجلس محمد رضا خان، فرخ رویار سا نشانی نیست! مادر کنارمان "گروه سپاس" رجا ئی، عسگر - اولادی و... را تداریم! ما سخنویمان فلسفی - خطیب شهر آریا مهری - نیست و... این خود حزب جمهوری است که در ران، در کنار، در زیر عیا و ردایش هر چه پست بد نهاد، خاشن و مشکوک در این مملکت وجود داشته جمع شده اند. خاشن شما هستید. شما هستید که شرافت و حیثیت مردم ایران را به بازی گرفته اید، شما هستید که آنکونه فضا حت کارها سومان آمریکا بی را خلاصی دادید و بلیا رده دلار بول ملت را هم به آمریکا بی و غیر آمریکا بی و درباری های سابق بخشیدید. شما هستید که با انگلیس و آلمان و فرانسه و ژاپن و شوروی مشغول بسط روابط هستید و در پی احیای محددمای روابط دوران طاغوت میباشید، شما هستید که زندان و ساواک و شکنجه و اعدام دوران آریا مهری را برقرار کرده اید. خاشن شما هستید و ملت هم حقتان را کف دستتان خواهد گذارد.

**ثانیا** آنکه روزنامه جمهوری اسلامی مرقوم فرموده اند "اعضای این اتحادیه... بسیار کم هستند...". گیریم که این چنین باشد. پس چرا امام تان و خودتان مرتبا در مورد ما اظهار نفرت و انزجار میکنید؟ آیا بغیر از این است که این "تعداد کم" حرف حق را میزنند، حرفی را میزنند که چون از دل مردم برمی آید، بر دل مردم هم می نشیند؟ بغیر از آنست که تمامی توطئه های ضد مردمی و وطن فروشانه، شما را بی محاسا و بی ملاحظه سر بلا کرده ایم؟ آیا شما از بی امر نمی سوزید؟ گیریم که ما خیلی "کم" باشیم، ولی آیا سوختن و هیا هو و حمال شما از آن با ست نیست که میدانید از خرد است که کلاں بر میخیزد؟! و این راهم بگوئیم که مخالفت و انزجار از شما زیاهم "کم" نیست. تمامی ملت در این نفرت و انزجار شریک است و شما هم از همین یا ست دلبره دارید!



# کودتاجیان حزبی به اعدام مبارزین در بند پرداخته اند

## ملت ایران انتقام خون زندانیان در بندی را که ناجوانمردانه اعدام شدند باز خواهد ستاند

بیاد تمامی شهدای چند روز اخیر شعری از شهید خلق سید  
سلطان نبورا انتخاب کرده ایم :

نغمه در نغمه، خون غلغل زده، تند شد  
شد زمین رنگ دگر، رنگ زمان دیگر شد

چشم هراختریوینده که در خون میگشت  
سرق خسی زد و برگزیده، شب خنجر شد :

- شب خودکامه که در بزم گزینش، گل خون

زیر رگبار جنون جوش زد و پیر پرند

بوسه بر زخم پذیرد لذت خونین سر

آتش یینه، گل، داغ دل ما در شد -

روی شبگیر کران، ماشه، خورشید چکید

کوهی از آتش و خون موج زد و سنگر شد

آنکه چون غنچه ورق در ورق خون می بست

شعله زد در شفق خون، شرف خاور شد

آن دلاور که قفس ساگل خون می آراست

لسر آتشرنه آمد، سخنش آذر شد

آتش سینه، سوزان نوا آسنگان

تین تجربه آورد، تنبیا ور شد

وه که آن دل سر دلساخته، آن فتنه، سرخ

رهروان راه شگیر ز دور هر شد

شاخه عشق که در باغ زمستان می سوخت

آتش قهقهه در گل زد و بار آورد

عانت آتش هنگامه به میدان افکند

آ نیمه جرم خون شعله که خاک تر شد

کودتاجران جمهوری اسلامی در بیرون و در درون زندان  
به جنایت مشغولند. در قروین به روی تظاهرات کارگران شهر  
صنعتی البرز رگبار گلوله می کشیدند و کارگران را به شهادت می  
رسانند. در تهران بروی تظاهرات کنگرگان بر علیه کودتای حزبی  
آتش می کشیدند و بیش از ۸۰ نفر را به خاک و خون می غلتانند.  
و در زندان، تاکنون ۳۲ نفر را بدون محاکمه، بدون پرسییدن  
اسامی آنها، به دم تیب پرده اند.

در سال زندانیان اعدای که به همانند تظاهرات ۳۰  
خرداد انجام گرفته با نامهای آشفتگی مواجه پیشویم گسه  
ماهها در زندان بوده اند سید سلطان نبورا، شاعر آزاد و مردمی  
که چند ماه پیش وی را در حین عتدک - ر بودند و زندانیان پر شدند  
به "جرم" !! راه اندازی تظاهرات ۳۰ خرداد اعدام شد.  
محسن قاضی که چند ماه پیش در مقابل سفارت فلسطین - بی از  
آنکهدی عوت سازمان آزادیبخش فلسطین برای اخذ ویزا به آنجا  
رفته بود - دستگیر شده و سده همین "جرم" به اعدام محکوم  
مگردد. اعدام زندانیان در بند در جمهوری اسلامی همه ملت  
را بیاد اعدام گروه چرتی و مجاهدین در زمان اعلام حزب فاشیستی  
رسانه در سال ۱۳۵۴ می اندازد. جزئی ها و خوشدل ها فرمانی  
کودنای رستا خیزی شاه شدند، و سید سلطان نبورا و محسن قاضی  
و مجاهدین در بند تریانی کودتای حزبی بهشتی و شرکاء، ولسی  
اگر آن کودتای فاشیستی دوام آورد، این یکی هم میا آورد.  
اگر آن یکی ۳ سال وقت بردار بر اساس خراب شود، این  
یکی به کمال هم نخواهد رسید. اسال سال تعیین تکلیف  
است.

ملت ایران این جنایات قرون وسطایی، این اعدام های  
حندما غنه را هرگز از یاد نخواهد برد و به سختی انتقام خواهد  
کشید. زمان انتقام هم زیاد دور نیست.

## خبری از رودزرد...

سکاری کیه بهشتی، حامی فئودال کیه بهشتی ندادیم اینها  
همه خواستهای ما است. یکی از رفقای ما از یکی از اکثریتیها  
سؤال کرد که نظرت راجع به اوضاع حزب و جریان بنی صدر  
چیست؟ چون او شرایط رایس دید گفت نه حزب خوب است و نه بنی  
صدر. در ضمن نیروهای شرکت کننده در راهپیمایی هواداری از  
بنی صدر بیشتر دانش آموزان راهپیمایی، دبیرستانی و دبیر  
نی و کارگران و تعدادی از کسبه و راننده و سیکاران بودند که  
اکثریت اهالی روستا را تشکیل میدهند. البته تعدادی از مردم  
بی تفاوت لب خیابان ایستاده و نگاه میکردند که اینها هم گرا  
یشات بنی صدری دارند. حرکت روستای رودزرد مشت محکمی بود  
بردها یا وه گویان که تمام امکانات خبری را در اختیار دارند  
و میگویند مردم طرفدار ما هستند.

در ضمن در این درگیری یکی از هواداران بنی صدر از ناحیه  
کمر ضربه دید.

سرگ بر حزب سبک مردم فریب

تهران و در سپهان و در جاهای دیگر بر علیه حزب راهپیمایی  
کردند و میخواهند عامل ارتجاع حزب را سرنگون کنند. اکثریتی  
گفت اینها همه توطئه، ضد انقلاب است. اینها همه ثایعه است.  
کارگرد دیگری گفت اهراری هم راهپیمایی میلیونی و شعارهای  
الله اکبر میلیونی مردم را خوار میدانست و میگفت اینها همه  
ثایعه است. اکثریت اولی میگفت شما اگر راست میگوئید داد  
برنیدگرانی است شورم اس. سکاری است نه اینکه شعار  
مرک بر حزب بدهید. گروهکها و این اتحادیه کمونیستها که در کل  
ایران سه نفر بیشتر نیستند، استفاد میکنند. یک کارگر  
شرکت حفاری و باحیمی از اهالی دادزندان اتحادیه خوب است و  
قولش دارم و تو چکار داری که حندما است حرف این است که  
خطش درست است و مگر ما شعار دشمن آزادی کیه، بهشتی. عامل

جنایت هولناک

روز یکشنبه ۳۱ خرداد ماه، پدرو ما درک مجاهد زخمی بنا  
مراحمه به بیمارستان خمینی سراغ تریژند مجاهد زخمی شان را می  
گیرند. ما سادرم درسدون گفتگو بطرف آنها شلیک میکند. ما در  
دردمندجا بجاشهید میشود و پدرو زخمی میگردد. این پاسدار رذل  
آدمکش توسط مردم دستگیر میشود در پرونده ای که همدستان وی  
بناچار برای وی تشکیل دادند شلیک گلوله را "اسافی" و بیستگام  
"بک کردن سلاح" ذکر کرده اند. ای مرگ بر این آدمکشان بی -  
شاموس.

شهادت

در درگیری های اخیر بین مردم و طرفداران سنی مدراز  
یک سو و مردوران و جنای داران حزب حاکم از سوی دیگر در شهرهای  
لاهیجان، هشتپر، رامسر و کتالم کاردینگریندی خیا بانی  
رسید است و چندین کشته و زخمی شده اند (آمار دینی در دسترس  
است)

امسال...

بقیه از صفحه ۶

توانستم طوی نوظئه استانداری فرماندار حزبی را بگیریم و  
هما نظور که توانستیم پوزه ظاهرا نی مزدور و شورور را سخاک  
بمالیم و سزیا داران مدافع حزب خائن جمهوری اسلامی  
را خلع سلاح کرده و کوشمالی دهیم ضرورت با صفوف فشرده تر  
و متحدتر با برنا بدو سازماز یافتند تا برچیدن ساط دارودسته  
حزب چماق بدستان به مبارزه خودا داده دهیم.

حزب خائن جمهوری اسلامی مدتهاست که ارکانهای سرکوب  
خود را در کلیه واحدهای تولیدی بوجود آورده و هیچکس نیست که سه  
طریقی کزندان ارباعیون را نچشیده باشد. امروز در جریان  
مبارزه عظیم مردم ایران علیه سلطه حزب و ارتجاع حاکم،  
وقت آنست که کارگران غیرتمند و مبارز در ادامه مبارزات  
مختلفی که تا بحال علیه این مرتجعین نوکیسه داشته اند، برای  
بیرون ریختن جما قدران حزبی از کارخانجات برخیزند. کار  
گران کارخانجات باید برای برچیدن ساط "انحن های  
اسلامی" دست به اعتصاب بزنند. کارگران مبارز و خصوصاً  
خانواده های عزادار کارگران شهید و زندانی میبایستی حقانیت  
مبارزه ای را که امروزه در سطح تمامی شهرهای ایران از جمله  
قزوین در جریان است، بس مردم سرده و نسلخ کنند و از  
همشهریان خود بخوانند که همه آستین ها را بالا زده و با اتحاد  
و تشکل خود حزب جمهوری و ارتجاع حاکم را سرنگون سازند.

هواداران نشریه "حقیقت"

اتحادیه کمونیستهای ایران (قزوین)

امسال سال خون است. بهشتی، سرنگون است

خبری از رودزرد رامهرمز

روستای رودزرد در ۱۵ کیلومتری شهرستان رامهرمز قرار  
دارد. اهالی این روستا را دهقانان و کسبه داران و کارگران  
(صنایع فولاد، بنورد، بوسا، زمان آب و برق و غیره) پوشش  
محلین تشکیل میدهند. روستای رودزرد بخاطر معزومیتها بی  
که در رژیم واسته، محمدرضای خاثن متحمل شدخیلی زود به  
صفوف انقلاب پیوست و خیلی زود با شعار مرگ پیر شاه مشیت محکمی  
بردها را امپریالیست ها بخصوص امپریالیسم آمریکا کوسیدند.  
ولذا برای رسیدن به اهداف و خواستهایشان که استقلال و آزادی  
و گشتن بندهای نیمه فئودالی روز شماری میگرددند و از آنجا که  
حزب مردم فریب و ارتجاعی حاکم بر سر نوشت انقلاب شد و در  
ماهیتش نبود که خواهی زحمتکشان بر سر هر روز بر بنا رضایتی  
مردم افزود و قرار دادهای اسارت و آزادی گروگانها ماهیت  
حزب را بیشتر رو سن ساخت. نیروهای آگاه و کارگران مبارز  
به آگاهی زحمتکشان روستا افزودند و تنبیده مسازنه طیفاتی در  
این روستا به اوج خود رسید و منتظر جرقه ای بود تا دشمن زحمت  
کشان را هدف قرار داده و آن را رسوا سازند. لذا با فتوای شعار  
الله اکبر که برای گرفتن تاشیدی برای حزب مردم فریب  
جمهوری اسلامی (در شب ۲۳/۳/۶۰) بود این جرفه به آتش مددل  
شد و اکثر اهالی روستای رودزرد در ساعت ۹ شب با شعار مرگ  
سریشتی و مرگ بر خایی و مرگ بر حزب جمهوری اسلامی دشمن  
طیقاتی خود را نشان نه رفته و هدف قرار دادند و حزب الله ها که  
موقعیت را وخیم دیدند و با تعدادی نیروی کم به راهیما شتی  
بردا خستند. حبه هواداری از سنی صدر خودشان را متشکل و به راه  
بیمانی بردا خستند و حزب اللهی ها در روی سک کوه و مردم پشنتیبا ن  
سی صدر در روی کزه رو بر علیه هم شتا رمیدادند و ناگفته  
نمانند که روحانی محل میخواست طوی این راهیما شتی را بگیرد  
و مردم مصمم به راهیما شتی خودا داده و در سر کرده در خیابان  
اصلی تجمع کرده و شعارهای برضد ارتجاع حاکم میدادند و حزب  
اللهی ها خودشان را وارد این راهیما شتی کرده و میخواستند  
درگیری بوحود بیاورند. ولی با شعار مرگ سریشتی صدای آنها  
در گلو خفته شد این راهیما شتی تا ساعت ۱۰ شب ادا شده داشت و از  
طرف تبلیغات حزبی فیلمی سنام سنگیر برای آرام کردن  
و خواباندن این مبارزه آوردند که مردم به پشنتیبا نی از رئیس  
جمهور با شعار مرگ بریشتی، حزب چماق بدستان باید بیره  
گورستان و مسلمان ببا خیز حزب شده رستا خیز، ماشین حزبیها  
را تا جلو مسجد مایعت کرده و نیروهای باقیما نده در مورد اوضاع  
داخلی بحث میکردند که اینکه حزب جمهوری اسلامی میخواهد یک  
کودتا بر علیه بنی صدرو نیروهای انقلابی راه بیندازد که ۲ نفر  
از هواداران اکثریت فدایی در مقام مردم موضع گرفتند و  
میگفتند چرا راهیما شتی میکنید، جنگ است و بشفخ آمریکا است  
که یکی از کارگران صنایع فولاد گفت ما با شما اکثریتی ها که  
معلومند کی هستند، خیانتکارها حزب داروغارت میکنند و سیکاری  
را زیاد میکند، دست محتکران و سرمایه داران را برای چساول  
ساز میکنند و شما میگوئید جنگ است و به اسم جنگ میخواهید مردم  
را شیره بمالید و یکی از اکثریتی ها گفت آن بچه که سرش نمیشه  
چه میداند حزب چیست، بنی صدر چیست که راهیما شتی راه میداند -  
زید. کارگر مبارزی از شرکت نفت گفت "رفیق" سر مردم در

اخبار...

بقیه از صفحه ۱۲

زودیراکنده میشود. پس از این زاهدیمائی یکی از هواداران محاهدین که قبلا شناسایی شده بود توسط مرتجعین حزبی جا قو میخورد که گویا حالتی وخیم است.

در همین روز در جها راه مدرسه ساعت ۶ بعد از ظهر تعدادی جماعت را "حزب اللهی" (حدود ۳۰۰ نفر) بعد از سخنرانی خمینی در شهر راه افتاده و شروع به عریسه کشی و شعار دادن به نفع دولت و حزب و مجلس ارتجاعی و حمایت از خمینی میکنند تا باعث رعب و وحشت مردم شوند. با کوچکترین بهانه ای جوانان را از بسین مردمی که با نفرت آنها را تماشا میکردند. بیرون کشیده و کتک میزدند. نیروهای مترقی و از جمله هواداران اتحادیه در بسین مردم شروع به افتاگری از آنها میکنند. در بسین "حزب اللهیها" (مردوزن) هواداران فدائیان اکثریت از همه آتشی تری بودند و سلند تر نعره میزدند.

■ به شنبه ۲۶ خرداد - از ساعت حدود ۱۰ تا ۱۰/۴۵ سحر از ظهر در چهل متری دولت آباد (م) زخمی نشی در حومه کرامشان) حدیث نفر از جوانان مبارز و هواداران اتحادیه تجمع کرده و شروع به دادن شعارهای انقلابی و ضد حزب خائن و بطن فروش و دولت و مجلس وابسته به آن و حمایت از سنی ضدمی کنند. عده ای از مردم نبره آنها پیوسته و به ۲۰۰ نفر میرسنده. سقیه مردم نیز برای آنها کف میزنند. چند درگیری نیز با جا قو کشان ارجاع ستر ما بد که در یکی از آنها جا قوی فرحمله کننده از دستش گرفته میشود. این فرد سردورکی ار هواداران دارو دسته روس پرست فدائیان اکثریت بوده که از افتاگری به عمل ما بد مردم علیه او و اربابان شرع شده. در انتیای مردم بهیج وجه خواهان ترک محل و پیاپان دادن به تظاهرات نبودند. پس از آن در بسین مردم اعلامه های انقلابی پخش میشود که مورد استقبال قرار میگیرد.

■ چهارشنبه ۲۲ خرداد - ساعت ۶/۱۵ در حوالی میدان آزادی (از مقابل تنی بی تنی) مردم شروع به راهپیمایی کرده و شعار درود سنی مدره حزب جماعتیستان باید بره برزستان و... میدهند. مردم از شیرینی فروشی نزدیک آنها شیرینی خریده و بروی سرتظا هر کنندگان مبریزند. حزب اللهیها کمک پایی داران و... از سبت به جمعیت عمدتا زنان و دختران) حمله کرده و تعدادی را با کاردوینجه بکسی... میزنند و شیرینی فروشی را نیز داغان میکنند.

در همین روز مردم و نیروهای مترقی، محاهدین و اتحادیه کمونیستها، دست به یک راهپیمایی از حوالی به راه شریعتی به طرف میدان شهناز سابق میزنند. در میدان درگیری مینسود و مردم در مقابل جماعتاران سائرتاب سنگ از خود دفاع میکنند و دریک یورش موفق میشوند آنها را فراری و میدان را تحت کنترل در آورند و سپس یک دکه وابسته به حزب جمهوری را داغان میکنند و به دفتر حزب خاشن در همان حوالی نیز حمله کرده و شیشه های آنرا می شکنند. در این هنگام مزدوران حزب اللهی که توسط پاس داران و... تقویت شده بودند با چند ماشین (آهو و...) از پشت به صف جمعیت میزنند که به نفر دخترا زیر میگیرند و گویا ۲ نفر از

آنها شهید شده اند. مردم ششمین دوتا از ماشین ها را نیز خرد میکنند. راننده یکی از این آهوها شناسایی شده و مزدور اکتسرتیتی است. دیگر مزدوران روس پرست نیز در بسین جماعتاران زیاد دیده شده اند. بعد از حدود نیم ساعت جمعیت پراکنده میشود. ■ شنبه ۳۰ خرداد - در این روز مجددا در مقابل تنی سنی تظاهرات کوچکی عمدتا از زنان و دختران برپا میشود که حزب اللهیها و حشیا نه با جا قو وینجه بکسی به آنها حمله میکنند و تعدادی نیز دستگیر میشوند.

روز جها رشنبه در تظاهراتی که در خیابان شریعتی با شعارهای بسنی ضمر بسنی صدر جماعتیت میکنند به راه افتاد مردم ششمین دکه نشریات حزبی را درهم شکستند و دکه دارش را تنبیه کردند. سپس به دفتر حزب جمهوری در همان خیابان حمله کرده شیشه های آنرا شکسته و او را تومیل متعلق به حزب را خرد کردند و جماعتاران را سواری نمودند. از شعارها و دیگر این تظاهرات: این مجلس کذابی سطل را سد کرد و مرک بر بسنی بود. اس تظاهرات با همکاری محاهدین و اتحادیه کمونیستها تری شده بود.

اهدان

در روز شسه ۲۴/۳/۶۰ جمعی سحر از ۱۰ هزار نفر در میدان خمینی - خیابان سوعلی - آرامگاه سوعلی احتماع کرده و شعارها به طرفداری از سنی صدر و بر علیه حزب جمهوری اسلامی میدادند که سر و کله جماعتاران قدراره بسنی پیدا شده و ما مردم درگیر شدند. در نتیجه جماعتاران تعدادی از خمی به جای گذاشتند البته از مردم نیز تعدادی زخمی شد. سد سبال درگیری حزب جماعتی داران قانونی خود را (کمیته) وارد میدان کردند و شروع به دستگیری و تیراندازی و سرتاب گنازاشک آور نمود. اما نتوانست از عهده مردم انقلابی سرباید. در نتیجه آنها محل تظاهرات را ترک کردند و تا اس محل در دست تظا هر کنندگان بود.

■ روریک شبه خمینی سسر ارحمیت زور فصل به هیس محل آمد و وسطورا کنده در نقاط مختلف این خیابان و دو میدان دیگر شعارهایی سر علیه حزب و سرفداری از سنی صدر داشت. تا شب چندین بار با جماعتاران و کمربندی ها زد و خورد صورت گرفت و بعد از سرتاکنده شدن جماعتاران و روسی کمیته چیها جمعیت به راهپیمایی به طرف جها راه عباس آسا بدر داشت. البته عده ای از جماعتاران دوباره احتماع کرده و به سد سبال جمعیت سرتا افتادند ولی دیگر زد و خوردی رخ نداد.

■ روزهای دوشسه و سه شنبه اوضاع آرام بود، البته طبق معمول جمعیت به میدان خمینی آمده بودند.

■ روز جها رشنبه در خیابان سوعلی هواداران محاهدین به راهپیمایی پرداختند و ما جماعتاران درگیر شدند و تعدادی از دوطرف زخمی شد.

دستگیری افراد فعال در این تظاهرات ها هر روز ادامه دارد و در این هفته به سسر ارحمی نظرسیده است.

جماعتاران افراد فعال را شناسایی کرده و در جاهای خلوت آنها را محاصره کرده و کتک میزنند.

یکی از رفقای ما را نیز در یکی از ایستگاههای خط محاصره کرده و او را کتک زده بودند به طوری که رفیق ما بر روی زمین افتاده و سستی سی حال شده بود.

# ایران در جوش و خروش اخبار چند روز اخیر

## تهران

■ اوایل این هفته در فرجک و رامین حدود ۲۴ تظاهرات شبانه به هواداری ارسنی مدرو علیه حکومت گودا صورت میگردد، که همه به زد و خورد کشیده میشود. در آن هر هفته نیز مردم مجدداً بیرون آمده و شبانه با چوب و چماق میخواستند به کمیته قرق حمله ور شوند که با سداران خود شروع شهرری و نازی آباد و... به آنجا ریخته و با شلیک و ضرب و شتم از حرکت مردم جلو میگیرند.

■ روز شنبه ۳۰ خرداد تظاهرات عظیم مردم و مجاهدین خلق نقاط متعددی ارسپه راه سدار مبارزه قیرمانا نه ما ارسجاع گودتا گرجا کم و اادی مسلح آن تبدیل کرده بود. نمنا در خیابان انقلاب حدود ۲۰۰ هزار نفر تظاهرات کردند و همزمان با آن در سدان امام حسین و حوالی آن، پیچ شمیران، توخانسه، محل دستر همکار بهای مردم با رشی جمهور و نقاط دیگر جمعیت های مردم با او باش حماسه را و بیاداران وارد درگیری شدند. مزدوران کمیته و با سدارها در نقاط متعددی در میدان فردوسی، چهار راه مصدق، فخر آباد و غیره و همچنین پانگرفتن سر بالای ساها نا حواس مردانه مردم را با تیر با رکا لبر ۵۰، ژ ۴۰ و کلانشلیک به رگا رگلوله بستند و دهها نفر را کشته و صدها زخمی بحای گدانسد. بوده مردم خشمگین سیره تلافی این قتل های نا حواس مردانه گروهی از حاققداران خاشن و اادی مسلح گودتا را در رگ واصل کرده و عده ای از ایشان را پیا دکتسک گرفتند، تا بدندان آسده احتساب نامذرا این سمت مطرتیای آدمک را یا دآورشان کرده باشند. در این میان هادی غفاری این ملعون دیوانه، دوانه و ارسا ختمنا راپه رکسار گلوله می بست و سراسر هس فرقی نمیگردد که چه کسی را آسماج گلوله های خاشناسه، حوس قرار میدهد.

در میدان توخانسه سیزدهمین روز میان جمعیت انبوه مردم و با سداران ارتجاع درگیری بوجود آمد، با سداران نا حواس مردانه مغز جواسی را متلاشی کردند. مردم دورا و جمع شدند و با سدارانی را که قصد بیرون حنازه، وی را داشتند تاراندند و عده ای از آنان را سا دکتک گرنستند و مزدوران مسلح وحشت زده در حالیکه زخمی و خونی لاشه های خویش را از محل دور میگردند عقب نشستند.

شنبه شب هفتمین رور (۳۰ خرداد) ساعت ۹ شب جمعیت زیادهای در تهران سارس برشت با مهارفته و با شعارهای درود بیس سنی مدرو مرگ سربشستی اس منطقه از شهر را سمدت بکرسسج ساعت لرزاندند.

■ شماره دوتا ارامشین های کمیته:

سزمنکی شماره ۶۶۲۳۹۹ / تهران - د  
جیب آهوا کستری شماره ۴۴۳۵۵ / تهران

■ روز یکشنبه ۳۱ خرداد ساعت ۱۲/۳۰ نیمه شب کمیته چی هسا و با سدارها سرای ایبا در عقب و وحشت در دل مردم در اکثر مناطقی تهران سمدت نیم ساعت شیرانندازی هواسی کردند. آنها بی خبر از آنند که مردم قهرمان ایران دیگر به تیرو تفنگ عادت کرده اند

و این تلاش های مذبحو حانه بجاشی نخواهد رسید.  
با زدره مین روز و به مین مقصود در شمیران نابلسنگو اعلام سبکردند که از ساعت ۹ شب حکومت نظامی است و تنهها نا شینها ئی که کارت ویژه دارند نمیتوانند بعد از ساعت ۹ حرکت کنند. طبعاً این کارها برای شمیرین حکومت نظامی در آتیه نزدیک است؛ تقلید احقانه ای از تلاشهای بی شمار هاری خاشن که ایضاً بی شماری خود را ثابت خواهد کرد.  
■ طبق مشاهدات عینی و همچنین گفته یکی از ما موریسن کمیته (دوشنبه یکم تیر ماه) تنها در اوین دست کم سه هزار نفر طی روزهای اخیر گرفته و زندانی کرده اند، که ده نفر، ده نفر با زرسی میثویند و سقول خودشان "باگناها" فوراً اعدام و "سی گناها" آزاد میشوند. ما موران مسلح کمیته و زندان سطرز سبشرا نه ای با خا نواده هاشی که برای دیدار یا اعتراض به دستگیری فرزندان شان به زندان میخواستند بیایدن در رفتاری میکنند؛ گاه و حشیا نه جا در از سردختران و زنان. مراجعه کنند میکشند و گاه آنها را سا دکتک میگیرند. در پز شکی قا نونی در هسین روز سنا ده شده شد که سفیرا ۱۵ نفری که در آن روز یا روز بیشتر اعدام کرده بودند ۲۸ جنازه دیگر نا شناس موجود بود، که از این عده ۸ نفر آنها دختران جوانی بودند که سطرز فجیعی کشته شده بودند. یکی از شهیدای سسر علاوه بر شکنجه یک یا بیش هم قطع شده بود. مردم مرتاً آهسته و زمزمه و اروعدهای هم با صدای بلند و عصا نسی از خمینی گرفته تا تمام دستگاه حکومتی را دشنام میدادند و ما دری خمینی را نفرین میکرد.

## گرمایشان

(از شنبه ۲۳ خرداد تا شنبه ۳۰ خرداد)

■ شنبه ۲۴ خرداد حدود ۲۰۰ هزار هوا داران مجاهدین خلق و مردم در این روز از خیابان اربابی تا جوان شیر و از آنجا تا میدان آزادی (گاراژ) راه پیمائی کردند. و گویا در میدان قطعنا مه ای نیز خواننده شده است (حدود ظهر). در این روز درگیری مهمی پیش نمی آید و شعارها بر ضد حزب جمهوری و در حماست از بنی صدر بوده است.

■ یکشنبه ۲۴ خرداد در ساعت ۷/۱۰ بعد از ظهر بیش از ۱۰۰۰ نفر از هوا داران مجاهدین شروع به دادن شعارهای ضد حزبی و حمایت از رشی جمهور میکنند و سپس از طرف جنوب میدان گاراژ بطرف شمال حرکت میکنند و در حوالی ایران ناسیونال مردم به آنها پیوسته و نزدیک به ۸۰۰ نفر میشوند. دیگر مردم تظاهرات میکنند. گان را سا کف زدن تشویق میکنند و بعضی بر سر آنها شیرینسی میریزند و گاراگران آن حوالی نیز از آنها حمایت میکنند. چماقداران حزبی به صفوف راه پیمایان حمله میبرند و بویسزه دختران را بشدت کتک میزنند. همچنین مردم و گاراگرا نی را که حمایت کرده بودند مورد ضرب و شتم قرار میدهند.

■ دوشنبه ۲۵ خرداد ساعت ۶/۵ بعد از ظهر مجدداً حدود چند صد نفر از هوا داران مجاهدین و مردم راه پیمائی میکنند (حوالی با سا ژنر) که با حمله چماقداران (بقیه در صفحه ۱۴)